

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جرائم عليه امنيت مستوجب حد

(شرح و تحليل فقهي و حقوقى جرائم محاربه، افساد فى الارض، بغى)

.....

مؤلف

مسعود قهرمانى

با مقدمه دكتور فریدون جعفرى

عضو هیئت علمى دانشگاه

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: قهرمانی، مسعود، ۱۳۶۶-
عنوان و نام پدیدآور	: جرایم علیه امنیت مستوجب حد: (شرح و تحلیل فقهی و حقوقی جرایم محاربه، افساد فی الارض، بغی)/مؤلف مسعود قهرمانی؛ با مقدمه فریدون جعفری.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۹۷-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا	
یادداشت	: کتابنامه.
عنوان دیگر	: شرح و تحلیل فقهی و حقوقی جرایم محاربه، افساد فی الارض، بغی.
موضوع	: محاربه (فقه)
موضوع	: Muharibah (Islamic law)
موضوع	: افساد فی الارض (فقه)
موضوع	: *Mischief in the land (Islamic law)
موضوع	: بغاه (فقه)
موضوع	: *Boghat (Islamic law)
موضوع	: جرایم علیه امنیت عمومی -- ایران
موضوع	: Offenses against public safety -- Iran
موضوع	: حقوق جزا -- ایران
موضوع	: Criminal law -- Iran
شناسه افزوده	: جعفری، فریدون، ۱۳۵۵-، مقدمه‌نویس
رده بندی کنگره	: BP۱۹۶/۵
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۸۷۵۹۹

نام کتاب	: جرایم علیه امنیت مستوجب حد (شرح و تحلیل فقهی و حقوقی جرایم محاربه، افساد فی الارض، بغی)
ناشر	: چتر دانش
مؤلف	: مسعود قهرمانی
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۹
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۹۷-۸
قیمت	: ۱۱۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸
تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳
پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com
کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

تقدیم به روح پاک فقهای امامیه، خاصه فقیه شجاع و نواندیش علامه ابن ادریس
حلی (ره)، و روح پر فتوح پدرم که عمری افتخار خادمی امام حسین (ع) را داشت
و به امید خدا زیست و غیر خدا را ندید.
و همچنین تقدیم به مادر مهربانم و همسر عزیزم

فهرست

نشانه‌های اختصاری	۶
مقدمه دکتر جعفری	۷
مقدمه مؤلف	۱۰
فصل اول: کلیات	۱۳
۱-۱- واژه شناسی	۱۵
۱-۲- مبانی جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت مستوجب حد	۲۶
۱-۳- وجوه افتراق و اشتراک جرائم علیه امنیت مستوجب حد	۵۵
فصل دوم: شرح جرائم علیه امنیت مستوجب حد از منظر فقه و حقوق کیفری ...	۶۳
۱-۲- جرم محاربه	۶۵
۲-۲- جرم افساد فی الارض.....	۹۹
۳-۲- جرم بغی	۱۲۷
فصل سوم: تحلیل تحولات جرائم علیه امنیت مستوجب حد در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲	۱۴۳
مقدمه	۱۴۵
۳-۱- جرائم علیه امنیت	۱۴۵
۳-۲- سیر تاریخی جرائم علیه امنیت مستوجب حد در قوانین کیفری.....	۱۵۰
۳-۳- تحولات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در قلمرو جرائم علیه امنیت مستوجب حد	۱۶۱
۳-۴- تحلیل میزان هم‌سویی تحولات قانون مجازات اسلامی با موازین فقهی و حقوق عرفی.....	۱۶۸
نتیجه‌گیری و پیشنهادات	۱۹۰
منابع	۱۹۳
پیوست‌ها	۲۰۱
فهرست تفصیلی	۲۰۵

علايم اختصاری

- ق.م.....قانون مدنی
- ق.م.ا.....قانون مجازات اسلامی
- آ.آ.د.د.ع.ا.....آیین نامه آیین دادرسی دیوان عدالت اداری
- آ.ا.ق.ت.د.ع.....آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
- آ.ل.ق.ا.ک.و.د.....آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری
- ق.ا.....قانون اساسی
- ق.ا.ا.م.....قانون اجرای احکام مدنی
- ق.ا.پ.ق.د.....قانون اصلاحی پاره‌ای قوانین دادگستری
- ق.ا.ح.....قانون امور حسبی
- ق.ا.ق.ج.ت.ع.....قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرفات عدوانی
- ق.ا.ق.ت.د.ع.ا.....قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
- ق.ت.د.ح.ی.و.د.....قانون تشکیل دادگاه‌های حقوقی یک و دو
- ق.ت.د.ع.ا.....قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
- ق.د.ع.ا.....قانون عدالت اداری
- ل.ق.ت.د.ع.....لایحه قانونی تشکیل دادگاه عمومی
- ل.ق.د.م.خ.....لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص
- م.ق.ر.ر.ک.....مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور

مقدمه دکتر جعفری

بشر و دنیای بشری از زمان تشکیل اجتماع و زندگی اجتماعی به اقتضای زمان و مکان برای ادامه حیات نیازمند تأمین امنیت در ابعاد شخصی و خانوادگی بوده است. متناسب با رشد خود و توسعه روزافزون جوامع و استحاله آن‌ها از انواع مکانیک به جوامع ارگانیک و سازمان‌یافته، ابعاد امنیت نیز دچار تغییر و تحول فراوانی شده است. در اهمیت امنیت در کنار مؤلفه‌های متعدد و متکثر نگاهی گذرا به طبقه‌بندی نیازهای اساسی انسان‌ها حاکی از جایگاه مؤثر آن پس از تأمین نیازهای غریزی و فیزیولوژیک هست. حمایت و حفاظت از امنیت در دوران پیشین و اولیه یا دورانی که در آن تحت عنوان انتقام خصوصی یاد می‌شود به عهده اعضای خانواده یا قبیله بود. اما با شکل‌گیری دولت‌های قدرتمند و متمرکز آن تکلیف از وظایف ذاتی دولت‌ها بوده است و در تمامی نظام‌های متنوع حقوقی و سیاسی دنیا توجه به مؤلفه امنیت عمومی شهروندان به‌عنوان حق اساسی و ذاتی آن‌ها و تکلیف دولت‌ها محسوب شده است. در اهمیت بسیار بالای تأمین امنیت عمومی شهروندان تردیدی وجود ندارد، اما با توجه به شاخص‌ها و پارامترهای سیاسی و حقوقی کشورها، برداشت از امنیت می‌تواند متفاوت باشد. از طرف دیگر فقدان ترسیم حد و مرز مشخص و آشکار می‌تواند به نام امنیت دامنه حقوق و آزادی‌های افراد را محدود نماید. بنابراین باید در تصریح و اعلام رفتارهای ناقض نظم و امنیت عمومی دقت و حساسیت بسیار اعمال نمود تا اصطلاحاً ارزشی مطلوب به ضد ارزشی نامطلوب مبدل نشود. در همین خصوص توجه ویژه به عموم و اطلاق یکی از مترقی‌ترین اصول مندرج در قانون اساسی در تدوین مقررات مرتبط با امنیت عمومی شهروندان مورد تأکید بسیار خواهد بود. اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایرانی اشاره می‌دارد که به نام تأمین امنیت و آسایش عمومی نباید حقوق و آزادی‌های فردی و مشروع شهروندان مورد خدشه قرار گیرد.

اصل نهم: در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و احاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. اهمیت این اصل زمانی آشکار می‌گردد که تأکید دارد حتی با وضع قانون هم امکان سلب و نقض حقوق و آزادی‌های مشروع ملت به شرح مندرج در فصل سوم قانون اساسی متصور نیست و علی‌رغم تأکید بسیار بر قانون‌مندی و قانون‌گرایی در آزادی‌های فردی چارچوب معین کرده است. بنابراین یکی از وظایف اساسی قانون‌گذاران در جمهوری اسلامی ایران پیرامون مسئله مهم و حیاتی امنیت عمومی

شهروندان تدوین صدور و ثغور معین و مشخص بوده و امکان حمل مصادیق بر مفاهیم آن‌ها بدون تجویز تفاسیر شخص یا موردی فراهم گشته و با لحاظ عموم و اطلاق قاعده ارزشمند در آ تدوین شده باشد. مسلماً صراحت و روشنی قوانین امکان تفاسیر نامطلوب را از مجریان در سوءاستفاده احتمالی از الفاظ و عبارات مبهم و ناروشن خواهد گرفت.

کتاب حاضر از پژوهش ارزشمندی که ابتدا در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی تحت راهنمایی بنده توسط یکی از پژوهشگران توانمند و با دانش به رشته تحریر درآمده و سپس با الحاق و تکمیل در این قالب به جامعه حقوقی کشور عرضه می‌گردد. اهمیت کتاب به نگاه نقادانه نویسنده بر ادبیات قانون‌گذار ۱۳۹۲ در تدوین مقررات قانون مجازات اسلامی در حوزه جرائم علیه امنیت است.

با توجه به سابقه مطالعات فقهی نویسنده و حضور در حوزه علمیه و تدقیق مباحث با نگاهی به منابع فقهی و اسلامی جرائم علیه امنیت بر ارزش علمی اثر افزوده است.

امیدوارم مسیر ترسیمی با نقدهای منصفانه و حکیمانه و تحلیل‌های علمی توسط پژوهشگران جوان و توانایی این مرز و بوم بر غنای مباحث علمی حقوق کیفری در کشور بیفزاید.

با احترام

فریدون جعفری

عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا

زمستان ۹۸

مقدمه

در طول تاریخ بشر، هر حکومتی برای استحکام قدرت خود به دنبال برقراری امنیت کشور و ملت خود بوده است. امنیت یک واژه کلی، عام و نسبی است که مفهومی بین رشته‌ای و پرکاربرد محسوب می‌گردد. امنیت در آموزه‌های دینی در کنار سلامتی جسم و روح حائز اهمیت و از نعمت‌های خفیه الهی به حساب می‌آید. به‌طور طبیعی ایجاد امنیت چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی آن مؤثر بر مسائل اقتصادی فرهنگی و سیاسی کشور خواهد بود. از آن رو هر حاکمیتی با توسل به قانون سعی در حفظ و ارتقاء امنیت خود نموده و بر اساس نیاز خود دست به جرم‌انگاری اقدامات علیه امنیت به تفاوت اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها و فرهنگ‌ها زده است. جرائم امنیتی در ایران نیز با وضع اولین قانون جزایی کشور در سال ۱۳۰۴ متولد و در طول تاریخ تا بدین‌سان دست خوش تغییر و تحولاتی بوده است. به‌طور قطع در این بازه زمانی رویکرد حاکمیت بر سطح جرم‌انگاری و اعمال مجازات در این موضوع مؤثر بوده و ایجاد این تغییرات و تحولات در هر برهه‌ای از زمان سطح امنیت در کشور را تعیین نموده است. بعد از انقلاب اسلامی ایران سمت و سوی قانون‌گذار نشئت گرفته از فقه در حوزه جرائم علیه امنیت بیشتر معطوف به جرم‌محاربه بود که در قوانین حدود و قصاص مصوب سال ۶۱ و قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ منعکس شده بود. پیچیدگی روابط اجتماعی، تحول سریع نیازهای بشر و گستردگی روابط داخلی و خارجی در کنار ظهور جرائم مستحدثه و فراملی، موضوعات تازه‌ای فراروی مجامع قانون‌گذاری هر کشوری در جهت حفظ و ارتقاء امنیت داخلی و خارجی باز نموده است. این موضوعات جدید باعث شده قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در قلمرو جرائم علیه امنیت مستوجب حد اقدام به ایجاد تحول نماید. جرم‌انگاری مجزای افساد فی الارض و بغی و همچنین تأکید بر محاربه به عنوان جرائم امنیتی مستوجب حد، تغییراتی می‌باشد که بررسی تحولات آن از جمله ضروریات حقوق کیفری می‌تواند باشد. نظر به اینکه تغییرات به وجود آمده به دنبال خود ابهامات و بعضاً چالش‌هایی را در عرصه حقوق کیفری می‌تواند ایجاد کند؛ لذا بر آن شدیم تا تحولات موجود در این قانون را در قلمرو جرائم علیه امنیت مستوجب حد، تحقیق و بررسی نموده و مواد مصوب مطروحه را از دو منظر فقه جزایی و حقوق کیفری مورد مطالعه تطبیقی قرار دهیم. راجع به این قسمت از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نکات و مسائل مبهمی به ذهن متبادر است. از آن جمله مهم‌ترین تحول صورت گرفته چه می‌باشد؟ آیا دغدغه‌های جامعه حقوقی در این باره مدنظر گرفته شده است؟ آیا این تحولات باعث پویایی و حفظ و ارتقاء آن خواهد شد؟ آیا موازین فقهی و اصول حاکم بر حقوق کیفری راجع به این موضوع محقق گردیده است؟ وجود سولاتی از این دست از ابهامات و انتقادات وارده به این بخش از قانون حکایت می‌کند.

همین امر باعث شد تا پژوهش حاضر صورت بگیرد. تا ضمن بررسی نقاط ضعف و قوت آن با ارائه پیشنهادهاتی کوششی اندک در جهت رفع ضعف‌ها و احتمالاً خلاءهای موجود شکل گرفته باشد. از آنجا که موضوع این پژوهش در مورد شرح جرائم علیه امنیت مستوجب حد و بررسی تحولات قانونی آن جرائم است؛ بایستی گفت قانون‌گذار به خصوص تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بدون تعریف جرم امنیتی و صرفاً با بیان مصداق مبهم در ماده ۱۸۳ قانون قبل جرم محاربه را در زمره جرائم علیه امنیت که مجازات حدی داشت بیان کرده بود. البته قانون، محاربه و افساد فی الارض را یک جرم دانسته بود که به نظر می‌آید نمی‌توان با توجه به وضع سایر قوانین خاص چنین برداشتی را نمود. به هر حال با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ تحولات در این باره بسیار مشهود بوده است؛ تا جایی که با تفکیک بین جرم محاربه و افساد فی الارض و جرم‌انگاری جرم بغی در زمره جرائم امنیتی، توسعه مصداقی فراوانی در قانون جدید ایجاد شده است.

با توجه به دائمی شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و عدم توجه قانون‌گذار به ایرادات و ابهامات موجود در قسمت جرائم علیه امنیت که مجازات حدی دارند؛ ضرورت بررسی‌ها و مذاقه بیشتر در موضوع حاضر امری لازم است. اثر حاضر که بخشی از آن مستخرج از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد نگارنده است؛ در سه فصل به شرح فقهی و حقوقی این جرائم و بررسی تحولات آن خواهد پرداخت.

نظر به عنوان پژوهش و اهمیت پرداختن به آن و همچنین نبود مبحث کافی در این رابطه و به خصوص فقد شرح فقهی و حقوقی جرائم مرتبط با عنوان پژوهش، در فصل اول به کلیات همچون واژه‌شناسی و بیان و بررسی مباحث زیربنایی پرداخته شده است.

در فصل دوم شرح مبسوطی بر وجه فقه و حقوق از قوانین مرتبط بیان شده و به‌طور تفصیلی همراه با نوآوری‌های جدید جرائم محاربه، افساد فی‌الارض و بغی مورد مطالعه و تدقیق تطبیقی قرار گرفته است. در فصل آخر نیز ضمن بررسی تغییرات مفهومی و تعریفی صورت‌گرفته در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ در موضوع بحث، به تحلیل تحولات و تغییرات از حیث تطبیق آن با موازین مسلم فقهی و حقوقی پرداخته شده است.

لازم به یادآوری می‌باشد که نگارنده اثر حاضر از حیث روش‌شناسی تحقیقی، صرفاً در مقام توصیف مقوله یادشده به معنای بیان تحلیل تحولات قانونی بوده است؛ البته به فراخور بحث توصیفاً به بررسی علل و ملاحظات اصلاح حمایت کیفری قانون‌گذار در این حوزه و تحلیل تغییر سیاست جنایی و رویکردی و بررسی گذرا از مبانی و اصول جرم‌انگاری‌های صورت‌گرفته پرداخته شده است.

در پایان لازم است از استادان ارجمند که در مسیر نگارش این اثر نگارنده را مورد لطف و عنایت خود قرار داده‌اند کمال تشکر و قدردانی را بنماییم. خاصه آقای دکتر فریدون جعفری دستیار ویژه حقوق شهروندی وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری که منت نهاده و مقدمه‌ای بر این کتاب نوشته‌اند. از دانشگاه آزاد اسلامی (واحد قم) و اساتید آن دانشگاه سپاسگزاری کرده و رحمت الهی را برای آنان خواهانم. همچنین از انتشارات وزین چتر دانش به‌خصوص مدیرمسئول محترم آقای فرزاد دانشور و حجت‌الاسلام علی بنی‌صدر و ویراستار اثر خانم دکتر موسوی کمال سپاس و قدردانی را دارم.

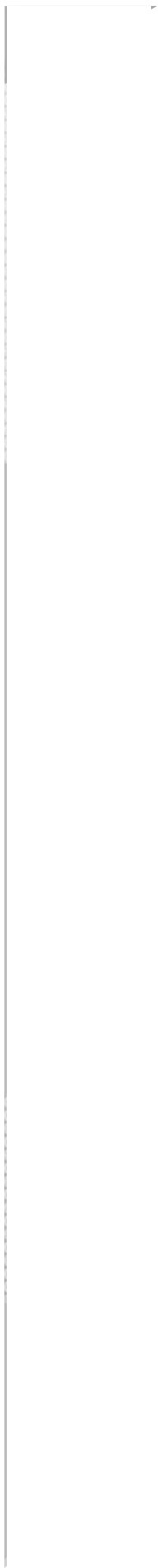
تحقیق حاضر مصون از اشتباه و خطا نیست، بخصوص آن‌که موضوع ما نحن فیه چندان مورد بحث و مذاقه قرار نگرفته است.

امید است ایرادات تحقیق حاضر را اساتید و خوانندگان تذکر و گوشزد نمایند.

بنده امیدوار به رحمت الهی

مسعود قهرمانی

قم المقدسه



فصل



کلیات

✓ واژه‌شناسی

✓ مبانی جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت مستوجب حد

✓ وجوه افتراق و اشتراک جرائم علیه امنیت مستوجب حد

۱-۱- واژه‌شناسی

نظر به اینکه آشنایی و ارائه تعریف دقیق از واژگان هر موضوع مورد بحثی جایگاه ویژه در تحقیقات علمی دارد، بنابراین در این مبحث به منظور آشنایی اولیه با واژگان اساسی مورد بحث، به تعریف لغوی و اصطلاحی جرم، امنیت و جرائم امنیتی مستوجب حد پرداخته و در فصل دوم درباره تعاریف محاربه، افساد فی الارض و بغی که از مصادیق جرائم امنیتی حدی محسوب می‌شوند، به تفصیل پرداخته می‌شود. بنابراین از آنجا که موضوع بحث از دو کلمه «جرم» و «امنیت» است و هر کدام از آن، در جای خود مباحث زیادی را به دنبال داشته است و برای درک این دو مفهوم لازم است، هر کدام را به صورت جداگانه بشناسیم.

۱-۱-۱- جرم

حقوق دانان و هر دسته از دانشمندان در حوزه علوم انسانی بسته به تخصص خود سعی در ارائه تعریفی از جرم نسبت به دیدگاه تخصصی خویش نموده‌اند. طرفداران مکتب «عدالت مطلقه» هر عمل خلاف اخلاق حسنه را جرم دانسته‌اند.^۱ جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان نیز تعاریف دیگری از پدیده جنایی نموده‌اند. گاروفالو یکی از بنیان‌گذاران دانش جرم‌شناسی «جرم را عملی دانسته که در هر زمان و هر مکان احساسات شرافتمندانه و نوع دوستی انسان را جریحه‌دار نماید.» همچنین کارارا،^۲ دانشمند ایتالیایی جرم را «نقض قانون مملکتی در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه و یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد.» تعریف کرده است،^۳ تعریف اخیر به علت تجسم‌سازی ارکان و عناصر سازنده جرم، مورد رجحان برخی حقوق دانان

۱- غلامرضا پیوندی، جرم سیاسی، ص ۳۲.

2- Carrara

۳- مرتضی محسنی، دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی)، ج ۲، ص ۲۳.

داخلی قرار گرفته است.^۱

در حقوق اسلام نیز فقهای اسلام سعی کرده‌اند با توجه به منابع استنباط احکام، تعاریف مشخصی از جرم ارائه دهند. برخی جرم را، انجام دادن فعل یا بر زبان راندن سخنی که اسلام آن را حرام شمرده و بر فعل آن کیفری مقرر داشته یا ترک فعل یا قولی که اسلام آن را واجب شمرده و بر ترک آن، کیفری مقرر داشته، تعریف کرده‌اند.^۲ در کنفرانس اجرای حقوق کیفری اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرائم، جرم را مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه بیانجامد تعریف کرده‌اند.^۳ گذشته از تحلیل و بررسی این تعاریف آنچه مسلم است جرم از دیدگاه حقوق اسلام و همچنین در دیدگاه مکاتب و دانشمندان حقوق عرفی به یک نحو بیان شده و تنها فرق آن، تفاوت در منشاء آن است که یکی الهی و دیگری قراردادی و وضعی است.^۴ با وجود این هرچند به نظر می‌رسد در اسلام هر گناهی می‌تواند عنوان مجرمانه تلقی گردد، اما در حقوق کیفری اسلام جرمی که مورد بحث واقع و پذیرفته شده، رفتاری است که شارع مقدس در مورد آن مجازات معینی وضع نموده است. با این وصف ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم را رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده، تعریف نموده است.

۱-۱-۲- امنیت

مفهوم امنیت صرف نظر «از ادبیات ضعیف و فاقد معنای روشن»، واضح و مورد اجماع همگان، از ریشه «Securus» به معنای «رهایی از اضطراب، هراس، ترس و نگرانی» است؛ که برخی آن را به معنی «سکونت روح و از بین رفتن ترس» آورده‌اند که منوط به «رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری مطلوب از فرصت‌های پیش روی است».^۵ «مفهوم امنیت در مورد افراد به معنی آن است که نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و به هیچ‌وجه حقوق آنان به خطر نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید. لزوم و ضرورت امنیت، به این مفهوم، در جامعه از طبیعت بشری ناشی می‌شود.»^۶ امنیت یک مفهوم پرکاربرد و بین رشته‌ای است که جایگاه اصلی بحث از آن در علوم سیاسی است. در نظام بین‌الملل، هر کشوری به جهت حفظ و بقاء قدرت خود کارکردهای امنیتی متفاوتی اتخاذ می‌کند. امنیت مفهومی است

۱- عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جنایی، ج ۱، ص ۴۱.

۲- علیرضا فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق عمومی اسلام، ص ۷۱.

۳- رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۱۳۶.

۴- غلامرضا پیوندی، پیشین، ص ۳۴.

۵- جواد صالحی، مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در قوانین کیفری، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۷.

۶- علی مظلوم، امنیت و امنیت ملی، نشریه حصون، ش ۱۹.

که علاوه بر علوم سیاسی و روابط دیپلماتیک، مورد بحث و نظر دکترین دفاعی هر کشوری نیز قرار می‌گیرد. امنیت مؤثر بر اقتصاد، فرهنگ، سیاست و مسائل دفاعی کشور هاست؛ بر این پایه جایگاه ویژه‌ای هم در حقوق کیفری کشورها دارد. و در انواع مختلفی به‌عنوان مثال همچون امنیت اقتصادی، اخلاقی، سیاسی، عمومی و اجتماعی بحث می‌گردد.

امنیت در حقیقت یک مفهوم عام، کلی و نسبی است. امنیت در آموزه‌های دینی نیز در کنار سلامتی جسم و روح از نعمت‌های مخفی خداوند به شمار آمده که در صورت فقدان، انسان در زندگی روزمره به مخاطره می‌افتد. خلاصه آنکه، نخستین شرط داشتن زندگی سالم اجتماعی استقرار نظم و امنیت اجتماعی است؛ نظم و امنیتی که در سایه آن افراد جامعه در فعالیت‌های مشروع و قانونی خود، احساس کنند، آزادی کامل دارند و از امکانات جامعه به‌طور یکسان برخوردارند و همه افراد بدون توجه به رنگ و پوست و نژاد و ملیت و منزلت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و خانوادگی در برابر قانون مساوی هستند.^۱ تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است تأکید دارد. آرنولد ولفرز^۲ از نظریه‌پردازان امنیت، در کتاب خود به نام «اختلاف و تشریک مساعی» امنیت را به نماد ابهام‌آمیزی که ممکن نیست از معنای دقیقی برخوردار باشد تعریف می‌کند. وی در جای دیگر امنیت را به‌طور عینی به معنای فقدان تهدید به ارزش‌های مکتسبه و به‌طور ذهنی به مفهوم فقدان ترس از حمله به این‌گونه ارزش‌ها می‌داند.^۳ بیان شد امنیت مفهومی چند وجهی، کلی و عام است و اثر آن در اقتصاد، سیاست فرهنگ و اجتماع هر کشوری هویدا است. با اینکه جایگاه بحث آن در علوم سیاسی بوده و در حقوق عمومی از آن بیشتر صحبت شده، اما امروزه موضوع امنیت از لحاظ سطوح مختلف به امنیت فردی، گروهی، ملی و بین‌المللی در ابعاد مختلف فوق‌الاشاره تقسیم و به تشریح آن پرداخته می‌شود. توضیح و شرح هر یک از سطوح امنیت قطعاً از حوصله این بحث خارج بوده و مجال دیگری را می‌طلبد. بنابراین از حیث اهمیت و لزوم حفظ و ارتقاء آن در کشور و جلوگیری از هرگونه اعمال ضد امنیتی از آن جهت که آسایش و رفاه همراه با نظم عمومی جامعه را مختل می‌کند، علاوه بر قوانین کیفری که در مباحث آتی بدان خواهیم پرداخت، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در بازنگری سال ۱۳۶۸ فصلی را به‌عنوان شورای عالی امنیت به این قانون اضافه کرد، تا بدین سان قصد خود را از جایگاه و حفظ امنیت بیان کرده باشد.

۱- محمد قطبی، نقش احکام جزایی در ایجاد امنیت از دیدگاه قرآن، مجله اصلاح و تربیت، ش ۵۵.

2- Arnold Wolfers

۳- فرزاد پیلتن، مفهوم‌شناسی امنیت و سیر تکوینی آن، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، ش ۳۸.

در طول تاریخ انقلاب اسلامی نیز این شورا همواره چه از بعد پیشگیرانه و چه در بعد اقدام و مقابله در برابر اعمال ضد امنیتی در کنار دستگاه‌های دیگر به ویژه قوه قضاییه حضور چشمگیر و موفق‌آمیزی داشته است. اصل یکصد و هفتاد و هشتم الحاقی ۱۳۶۸ بیان می‌دارد: «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد...» در یک نگاه حقوقی، این اصل بیشتر به جنبه حفظ امنیت حاکمیت پرداخته، که امید است در قانون اساسی کشور که قانون مادر نیز محسوب می‌شود، متممی با موضوع حفظ امنیت ملت نیز گنجانده شود. بهر تقدیر با دقت در تعاریف مطرح شده از امنیت در ابعاد مختلف همچون حقوق کیفری در می‌یابیم که تعاریف بیان شده جامع و مانع نیستند و به نظر می‌رسد این امر به خاطر کلی و نسبی بودن مفهوم امنیت باشد که در تعریف نمی‌گنجد. بنابراین هر تعریفی در مورد آن و به خصوص جرائم امنیتی، در حقیقت شرح الاسمی از آن محسوب می‌گردد. نهایتاً با یک نگاه مسامحه‌گرانه تعریف به مصداق و مثال است، اگر نگوییم تعریف به مصداق و مثال، تعریف مجهول با مجهول یا تعریف مجهول با مبهم است. در نتیجه قانون‌گذار هر کشوری فارغ از ارائه تعریف دقیقی از امنیت صرفاً بنا به مصالح عالیه کشور متبوع خویش مصادیق مجرمانه علیه امنیت، را تشخیص و برای آن مجازات وضع می‌کند.

۱-۱-۲-۱- امنیت در اسلام

بحث امنیت از جمله موارد مهم و دارای سابقه طولانی در لسان علماء اسلام، مستخرج از قرآن و کلام معصومین (علیهم‌السلام) است. امنیت به معنی ایمنی داشتن جانی، مالی، عرضی یا معنوی در فرهنگ فقهی تعریف شده است. مراد از ایمنی معنوی، ایمن بودن از وقوع در حرام یا ترک واجب است. به هر حال با توجه به اینکه استقرار امنیت از مهم‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای زندگی مردم می‌باشد و انسان تنها در پرتو آن می‌تواند به امور دنیوی و اخروی خویش با آسایش خاطر سامان دهد و در تمام شئون زندگی خود موفق و به سمت کمال و رشد تعالی قدم بردارد، اسلام نیز جایگاه استراتژیک امنیت را به خوبی لحاظ کرده و جهت حفظ آن اقداماتی را در جنبه‌های مختلف وضع کرده است. در قرآن مجید نیز بحث از امنیت به علت اهمیت آن در چندین جا بیان و به آن اشاره شده است. از جمله مثال‌های قرآنی، شهری است که در آن امنیت وجود داشته باشد.

خداوند در سوره نحل، آیه ۱۱۲ می‌فرماید: ﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا﴾^۱

همچنین قرآن امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان و طرح

۱- و خداوند شهری را مثال زده است که امن و امان بود و روزی‌اش از هر سو فراوان می‌رسید، پس [ساکنانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند.

امامت می‌شمارد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۱ (نور، ۵۵) در کلام ائمه معصومین علیهم‌السلام که دومین منبع مهم اسلامی محسوب می‌شود، امنیت دارای جایگاه و بحث بوده است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبه ۱۳۱ نهج‌البلاغه از انگیزه‌های قیام صالحین و از اهداف عالی‌ه امامت را تأمین امنیت معرفی کرده‌اند، و نیز در نامه مشهور ۵۳ نهج‌البلاغه که معروف به عهدنامه مالک اشتر است، در مقام بیان حقوق و تکالیف ملت و حکومت اسلامی به‌طور خاص با نگاه ویژه به وظایف حاکم در حکومت دینی، نقش بسزایی در آیین و روش کشور داری به سبک اسلامی داشته است. در فرازی از این نامه حضرت علیه‌السلام هدف از انعقاد پیمان‌های صلح را برقراری و تأمین امنیت می‌داند، که از این طریق پیشگیری از عوامل تهدید کننده امنیت را توجیه می‌کند. امام علیه‌السلام می‌فرماید: «لاتدفعن صلحا دعاك اليه عدوك الله فيه رضی فان فی الصلح دعه لجنودك و راحة من همومك و آمنة لبلادك ولكن الحذر كل الحذر من عدوك بعد صلحه فان العدو ربما قارب تغفل فخذ بالحزم»

اصولاً اسلام هر نوع ایجاد وحشت و هراس را در دل انسان‌هایی که مرتکب خلافی نشده‌اند ظلم و تجاوزی بس بزرگ تلقی می‌کند و آن را جرم می‌شمارد. در حدیث است: «لا تروعوا المسلم فان روعه المسلم ظلم علیه»؛ یعنی مسلمانان را نترسانید؛ زیرا ایجاد وحشت در مسلمان ظلمی بس بزرگ است.^۲ امام صادق علیه‌السلام نیز از جمله نیازهای بشری را امنیت دانسته است. ایشان می‌فرمایند: «ثلاثة أشياء يحتاج الناس طرأاً إليها: الأمن و العدل و الخصب»^۳ «سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت و عدالت و فراوانی.» در جای دیگر می‌فرماید: «پنج خصلت است که چون یکی از آنها وجود نداشته باشد زندگی ناقص و عقل زائل می‌شود، نخستین آن تندرستی و دومی آن امنیت و سومی گسترده‌گی معیشت و... است.^۴ وجود امنیت آنقدر در اسلام مهم است که آن را شرط برخی از تکالیف دانسته‌اند.

امنیت در تکالیف زیر شرط است:

۱. عبادت: امنیت (ایمنی و سلامتی جان، مال قابل اعتنا و آبرو) شرط تکالیف عبادی و اجزاء

۱- خدا به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند جانشین [خود] قرارداد، و آن دینی را که بر ایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بینشان به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هرکس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند.

۲- عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۱، ص ۵۷۲

۳- محمدرضا حکیمی و [دیگران]، ۱۳۸۰، الحیاه، ترجمه احمد آرام، ج ۶، ص ۶۲۱.

۴- محمدرضا حکیمی، و [دیگران]، ۱۳۸۰، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۶.

و شرایط آن است که برخی از مصادیق آن چون طهارت و صلات و حج است که شرط وجوب حج، استطاعت و تحقق استطاعت منوط به توانایی مالی و سلامت جسمانی و امنیت داشتن راه و مقصود است.

۲. امر به معروف و نهی از منکر: وجوب امر به معروف و نهی از منکر مشروط به وجود امنیت برای آمر و ناهی و دیگر مؤمنان است.

۳. خلوت یا نگاه کردن به زنی اجنبی: که نگاه کردن به وی در موارد جواز مانند وجه و کفین، در صورت ایمن نبودن از وقوع در حرام، جایز نیست.

۴. حرمت ارتکاب حرام، حرمت ارتکاب محرمات، در فرض برخورداری از امنیت است. بنابراین، اگر کسی که در اجتناب از حرامی نسبت به جان یا عرض خود امنیت ندارد، ارتکاب آن حرام برای وی جایز، بلکه واجب است مانند موارد تقیه و اکراه.

۵. حدود قصاص: وجود امنیت نسبت به جان یا عرض، از شرایط جواز دفاع از مال است و در صورت علم به هلاکت خویش یا از بین رفتن عرض، دفاع از آن حرام است. به قول مشهور، جواز اقامه حدود در زمان غیبت توسط فقیه واجد شرایط منوط به برخورداری وی از امنیت است.^۱ از آنچه گفته شد به خوبی نقش، جایگاه، اهمیت و ضرورت مفهوم امنیت و حفظ و ارتقاء آن در دین مبین اسلام اثبات می‌گردد. در کنار این مباحث، حقوق کیفری اسلام نیز با دقت فراوان مصادیق مجرمانه‌ای که به هر نحو موجب زوال امنیت باشد را شناسایی و برای آن مجازات مقرر کرده است. حتی جاسوسی که از جمله مصادیق مجرمانه ضد امنیتی است، در اسلام مورد توجه و جرم‌انگاری واقع شده و برای آن مجازات تعیین کرده‌اند. در بین علمای سنی مذهب بنا بر رأی ابوحنیفه، اوزاعی و ابویوسف، جاسوس مسلمان زندانی می‌شود و از نظر امامیه، حکم جاسوس مسلمان تعزیر و از غنیمت محروم می‌گردد، و اگر این جاسوس کافر حربی باشد کشته می‌شود و اگر کافر ذمی باشد بنابر عهده‌ای که دارد عمل می‌شود.^۲ نمونه دیگری که اسلام آن را جرم علیه امنیت دانسته و برای آن مجازات حدی وضع کرده است، جرائم محاربه و افساد فی الارض و بغی است.

۱-۲-۲-۱- امنیت در حقوق کیفری موضوعه

برای پرداختن به امنیت در حقوق کیفری عوامل تحقق آن حائز اهمیت است. از این حیث «برای تحقق امنیت، وجود عوامل زیر لازم است:

۱. اجراء و تعمیم عدالت و قانون به‌طور یکسان و نفی هرگونه تبعیض در جامعه.

۱- هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۲۶، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)، ج ۱، صص ۶۶۴ و ۶۶۵.
 ۲- نجم‌الدین طبسی، ۱۴۲۶، زندان و تبعید در اسلام، ترجمه سیدمحمدرضا حسینی و مصطفی شفیعی، ص ۷۸.

۲. مبارزه مداوم با عوامل تجاوزگر و زمینه‌های تعرض احتمالی.

۳. آشنایی عامه مردم با حقوق افراد و آگاهی لازم در جهت احترام به حقوق دیگران.

۴. ضمانت اجرای نیرومند معنوی (ایمان و اخلاق).

۵. ضمانت اجرای قانونی برای کیفر دادن متجاوزین به حقوق مردم»^۱

بنابراین با توجه به صیانت از عوامل تحقق امنیت، حضور و مداخله حقوق کیفری امری طبیعی محسوب می‌گردد. از این حیث مجامع قانون‌گذاری و حقوق‌دانان کیفری به تعریف جرائم علیه امنیت پرداخته و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی را به ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای که به قصد برهم زدن امنیت و اخلال در نظم عمومی و یا قصد صدمه زدن به حیات حکومت اسلامی و ساقط کردن آن صورت می‌گیرد، تعریف کرده‌اند.^۲ قانون مجازات اسلامی در فصل هشتم از کتاب دوم، از محاربه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جرائم علیه امنیت صحبت می‌کند که ماده ۲۷۹ آن به تعریف محاربه و قیود مدنظر پرداخته است. فصل نهم همین کتاب نیز که سابقاً در قوانین کیفری جمهوری اسلامی نیز وجود نداشت برای اولین بار افساد فی الارض را مشخصاً در قانون مجازات اسلامی به‌طور صریح یک عنوان مجرمانه مجزا معرفی و بغی را نیز در زمره جرائم علیه امنیت مستوجب حد آورده است. هرچند سابقاً رویکرد قانون‌گذار ایران جدایی افساد فی الارض از محاربه بود، (چراکه در قوانین دیگری همچون قانون نحوه مجازات اشخاص که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند، مصوب بهمن ۱۳۷۲ یا قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی و قوانین مشابه دیگری که در عناوینی مجزا به بررسی آنها خواهیم پرداخت، عنوان افساد فی الارض جدای از محاربه برای ارتکاب مصادیقی به‌کارگیری شده است). بالاخره در مهم‌ترین قانون کیفری جمهوری اسلامی، این تفکیک صراحتاً اعلام گردید که البته جای تأمل و بررسی بیشتر را خواهد داشت.

امنیت از آن دست مفاهیم زیربنایی برای رشد و توسعه هر جامعه و ملتی است. طبیعتاً برای بهبود روابط بین‌الدول و به دنبال آن رشد مناسبات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از بعد خارجی و رشد و توسعه همه‌جانبه و ایجاد آرامش روانی در بعد داخلی هر کشوری، وجود و سطح امنیت از مؤثرترین وسائل موردنیاز خواهد بود، از این رو در طول تاریخ بشر ایجاد امنیت یک امر مثبت و ضروری تلقی گشته و برخورد با مرتکبین اخلال در امنیت نیز سرلوحه کار قرار گرفته است. به‌طور خاص با برپایی حاکمیت‌ها و تشکیل دولت‌ها در هر زمان و منطقه جغرافیایی، در تاریخ حقوق کیفری، مباحث راجع به امنیت از جمله مسائل پر رنگ و قابل بحث بوده است. با توجه به

۱- عمید زنجانی، ۱۴۲۱، پیشین، ج ۱، ص ۵۷۱.

۲- هوشنگ شامبیانی، ۱۳۹۲، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه آسایش عمومی)، ج ۳، ص ۲۵.

عوامل تحقق امنیت و اهمیت حاکمیت ملی که همواره از مهم‌ترین ارزش‌ها برای ملت‌ها بوده، و با عنایت به ارزشی که ملل گوناگون همیشه برای حاکمیت خود قائل بوده‌اند، و همچنین تلاش حکام در جهت حفظ قدرت و حاکمیت خود و خطراتی که جرائم علیه امنیت می‌توانند برای حکومت و استقلال آنها ایجاد نماید، از قدیم الایام مقررات سختی راجع به جرائم علیه امنیت وجود داشته است.^۱ در حقوق جزای قدیم از جمله روم و ایران باستان اقدام علیه امنیت کشور جرم و برای آن مجازات سختی مقرر شده بود. هر پادشاهی اقداماتی را جرم می‌دانست که علیه خود احساس می‌کرد و برای آن مجازات‌های بعضاً سختگیرانه و خلاف قاعده در نظر می‌گرفت. می‌توان گفت مهم‌ترین جرم امنیتی آن زمان خیانت به شاه و کشور (میهن) بوده است. در زمان شاه طهماسب اول «مظفر، سلطان حاکم رشت، متهم به خیانت شد، شهر تبریز را آیین بستند، مشارالیه را میان خنده و استهزاء عوام الناس در کوچه و بازار گردش دادند و بالاخره در قفس آهنین او را آتش زدند.^۲ در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ نیز در فصل سوم، تحت عنوان «جنحه و جنایت بر ضد آسایش عمومی» به جرائم امنیتی اشاره شده است. در قوانین سایر کشورها نیز در طول تاریخ تحولات حقوق کیفری به جرائم علیه امنیت پرداخته و در کشورهای عربی در قوانین عقوبات خود فصول مختلفی به «الجرائم الواقعة علی امن الدوله الخارجی» و «الجرائم الواقعة علی امن الدوله الداخلی» اختصاص داده‌اند، که از باب نمونه به قانون عقوبات سوریه که در آن از مواد ۲۶۳ الی ۲۹۰ به جرائم علیه امنیت خارجی و مواد ۲۹۱ الی ۳۱۰ به جرائم علیه امنیت داخلی پرداخته را می‌توان نام برد. در سایر کشورها نیز جرائم علیه امنیت مورد توجه خاص بوده است. در انگلیس قانون نظم عمومی مصوب ۱۹۸۶ جرائمی چون شورش، بی‌نظمی و خشونت، نزاع جمعی و سایر جرائم کم اهمیت‌تر را به عنوان جرائم امنیتی معرفی کرده است. کانادا و آمریکا نیز به همین شکل در قوانین کیفری خود عمل کرده‌اند. در بخش‌های مختلف قانون جرائم نیوزلند نیز به جرائمی پرداخته که جنبه امنیتی دارد، به‌طور مثال بخش‌های ۸۷، ۸۶، ۷۳ به شورش به‌عنوان یک جرم امنیتی پرداخته است. آلمان نیز برای حفظ و ارتقا امنیت خود با اقدام‌کنندگان علیه امنیت برخورد قاطعی می‌کند.^۳

در عصر حاضر نیز امنیت و حفظ آن علتی برای جرم‌انگاری‌های سختگیرانه علیه رفتارهای ضد امنیتی محسوب می‌شود تا جایی که سیاست جنایی تحولات موجود در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در قلمرو جرائم امنیت مستوجب حد متأثر از سیاست جنایی امنیت مدار و دشمن

۱- حسین میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، حقوق کیفری اختصاصی ۳ (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی)، ص ۲۱.

۲- حسین میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹، پیشین، ص ۲۲.

۳- حسین میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹، ص ۳۴ و ص ۴۲.

محور بوده است. پر واضح است که در جهان کنونی، انواع جدید و پیشرفته‌ای از بزهکاری به وجود آمده که حقوق کیفری کلاسیک، پاسخگوی آنها نیست زیرا حقوق کیفری کلاسیک بر محور فرد استوار است و مجرم را فردی خودی تلقی می‌کند. از همین رو حقوق کیفری مدرن تحت عنوان حقوق کیفری امنیت مدار پیشنهاد شده است. عواملی که زمینه شکل‌گیری حقوق کیفری امنیت مدار را فراهم کرده عبارتند از احساس ترس و نگرانی مردم از جرائم فراملی و درخواست امنیت از حکومت‌ها که مسئول تأمین امنیت شهروندان خود هستند.^۱ با اندکی تأمل در نظرات فوق که هریک در جای خود در کتب حقوقی مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند، درمی‌یابیم که حقوق کیفری نقش حمایتی از امنیت داشته و هر عقل سلیم و هر مجلس قانون‌گذاری برای ضمانت تحقق و اجرای امنیت در سطح داخلی و خارجی و فراملی و مصونیت بخشی حاکمیت و آحاد ملت از هرگونه تبعات مخرب اعمال ضد امنیتی از حقوق کیفری بهره گرفته و با وضع قوانین و اعمال مجازات سعی در پیشگیری و اقدام مناسب علیه هرگونه رفتار مخاطره‌انگیز علیه امنیت خود می‌نماید. این مهم سبب تبدیل سیاست جنایی حقوق کیفری مدرن به حقوق کیفری امنیت مدار شده است. این مطلب بدین جهت که امنیت از نقش محوری در امور کشورها برخوردار است؛ حایز اهمیت است. بدین سان با توجه به تنوع و جنبه‌های نو ظهور بزهکاری که هریک علیه امنیت یک کشور می‌تواند آسیب‌زا باشد، نقش حقوق کیفری در حمایت از وجود و حفظ و ارتقاء امنیت، نقش مؤثر، پررنگ و بسزایی خواهد بود. جایگاه امنیت در حقوق کیفری تا جایی مهم است که قوانین بین‌المللی نیز برای حفظ اطلاعات امنیتی کشورها تدابیری را در نظر گرفته‌اند. طبیعی است که قراردادن اطلاعات مربوط به امنیت ملی هر کشور، حتی دادگاه‌های بین‌المللی موجب اکراه هر دولتی باشد. از همین رو در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، در مورد اطلاعات محرمانه‌ای که افشاء آنها منافع مربوط به امنیت ملی را به مخاطره می‌افکند، مقرراتی به چشم می‌خورد. جزء «و» از بند ۳ ماده ۵۴ اساسنامه، مقرر می‌دارد، دادستان مجاز است «تدابیری ضروری را اتخاذ و یا اتخاذ تدابیر لازم را درخواست نماید تا محرمانه ماندن اطلاعاتی [که دادستان به دست آورده است] تضمین شود.» جزء «ج» از بند ۳ ماده ۵۷ اساسنامه شعبه بدوی را مکلف ساخته تا نسبت به محافظت لازم از اطلاعات مربوط به امنیت ملی، اقدام نماید. بند ۴ ماده ۹۳ و بند ۵ ماده ۹۹ به دولت‌های عضو اجازه می‌دهد که از پذیرش تقاضای دیوان برای تعاون، در حدی که تقاضای مورد نظر مستلزم ارائه اسناد یا افشای مدارکی باشد که مربوط به امنیت ملی دولت طرف تقاضا است، امتناع ورزد.^۲ گذشته از نقش حمایتی حقوق کیفری از امنیت، جایگاه امنیت نیز در حقوق

۱- عباس زراعت، ۱۳۹۱، درآمدی بر علوم جنایی، ص ۴۳۰.

۲- کریانگ ساک و کیتی شیایزری، ۱۳۹۱، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، ص ۵۲۵.

کیفری قابل بحث است. از جمله مباحث بسیار مهم مطروحه در حقوق کیفری به ویژه حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه امنیت است. اهمیت جرائم علیه امنیت در حقوق کیفری تا جایی است که حتی برخی از مقررات مسلم حقوق جزای در مورد این جرائم نادیده گرفته می‌شود. اصل درون مرزی یا سرزمینی بودن حقوق جزا از اصول پذیرفته شده در این رشته از حقوق است و بنابر تأکید دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در دعوی لوتوس، خصیصه سرزمینی بودن ویژگی اصلی پذیرفته شده در همه نظام‌های حقوقی است،^۱ اما با این حال جرائم علیه امنیت به دلیل اهمیتی که دارند تابع صلاحیت واقعی بودن قوانین جزایی می‌باشند تا استثنایی بر اصل صلاحیت سرزمینی وارد شود و از آن اصل مسلم در این موضوع خاص عدول شود. اصل صلاحیت واقعی عبارت است از توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور به جرائمی که خارج از قلمرو حاکمیت آن واقع شده و ارتکاب آنها به منافع واقعی آن کشور لطمه وارد می‌کند. بنابراین مستند به ماده ۵ قانون مجازات اسلامی، هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران شود، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود. با توجه به این ماده و حذف عبارت «در ایران یافت شود یا مسترد گردد» از ماده ۵ قانون سابق، حق رسیدگی غیابی نیز به جمهوری اسلامی ایران داده شده که خود نمونه‌ای دیگر از اهمیت جرائم علیه امنیت می‌باشد. اهمیت امنیت برای حاکمیت ایران تا جایی است که صلاحیت رسیدگی به جرائم علیه امنیت مستوجب حد یا تعزیر در حیطه صلاحیت دادگاه انقلاب تعریف شده است.

۱-۱-۳- جرائم امنیتی مستوجب حد

باتوجه به موضوع پژوهش که راجع به جرائم امنیتی مستوجب حد می‌باشد، شایسته است در کنار تعریف از واژگان جرم و امنیت و بررسی دقیق و مبسوطی که از مفهوم امنیت در اسلام و حقوق کیفری موضوعه ارائه شد، مصادیق جرائم امنیتی نیز تعریف و بررسی شوند. از آنجا که قانون‌گذار اسلامی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محاربه، افساد فی‌الارض و بغی را جرائم علیه امنیت احصاء و برای آن مجازات حدی وضع نموده است. تحقیق در مورد این جرائم فصل مجزایی را در پژوهش حاضر به خود اختصاص داده؛ لذا تعریف و واژه شناسی محاربه، افساد فی‌الارض و بغی به علت اجتناب از تکرار و اطاله کلام به فصل دوم موكول شده است. به هر حال در اینجا مناسب دیده شد که به بررسی دقیق واژه «حد» پرداخته شود. حدود

۱- حسین میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹، پیشین، ص ۲۸.

جمع حد و حد در لغت به معنی منع و دفع آمده است.^۱ مجازات‌های شرعی را به این دلیل حد نامیده‌اند که مانع ارتکاب جرم می‌شود.^۲ در کنار تعریف لغوی حد، تعریف شرعی و اصطلاحی آن مورد توجه بیشتری بوده است. تقریباً در تحقیقاتی که راجع به حدود بحث نموده‌اند، زمانی که به تعریف اصطلاحی حد رسیده‌اند مناقشه بین مرحوم محقق حلی و شهید ثانی در مورد تعریف حد مدنظر آنان بوده است. مرحوم محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام در تعریف حد آورده‌اند: «کل ماله عقوبه مقدره یسمی حداً و ما لیس کذلک یسمی تعزیراً»^۳ یعنی اینکه حد، هر کیفری است که برای آن حد معین و محدودی وجود دارد، و تعزیر آن است که تقدیر خاصی ندارد. در مقابل شهید ثانی (ره) در کتاب مسالک الافهام تعریف دیگری از حد بیان نموده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «عقوبه خاصه تتعلق بإیلام البدن، بواسطه تلبس المکلف بمعصیه خاصه عین الشارح کمیتهای فی جمیع افراد»^۴ یعنی حد عقوبتی است خاصه که مربوط به زجر بدن است به دلیل گناهی که انجام داده و شارع میزان آن را در همه اشخاص مشخص کرده و تعزیر هم عقوبتی است خاصه که مربوط به زجر بدن به دلیل گناهی است که انجام داده؛ لکن تقدیر ندارد یا نوعاً تقدیر ندارد. شهید ثانی (ره) معتقد است «تعریف مرحوم محقق کلیت ندارد؛ زیرا مواردی وجود دارد با اینکه تعزیر است اما مقدارش مشخص می‌باشد. پنج نمونه تعزیر وجود دارد که میزان آن توسط شارع معین شده است. به‌عنوان نمونه کسی که در ماه رمضان با همسرش مجامعت کند، علاوه بر کفاره ۲۵ ضربه شلاق هم باید بخورد که این مجازات از باب تعزیر است.»^۵ اما برخی از فقها با رد ایرادات شهید ثانی (ره) بر تعریف مرحوم محقق معتقدند هر عقوبتی که به نظر حاکم وابسته نبود و بلکه مقدر شرعی داشت، حد نام دارد.^۶ قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۱۵ حد را مجازاتی می‌داند که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است. بنابراین به نظر می‌رسد قانون‌گذار تعریف مرحوم محقق از حد را برگزیده است. با این حال مواردی در قانون مجازات اسلامی به خصوص در حدود وجود دارد که با تعریف قانون‌گذار از حد تشابهی نداشته اما ذیل حدود جرم‌انگاری شده‌اند؛ چرا که با توجه به تعریف مرحوم محقق از حد و ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی، در پذیرش پدیده مستحدثه مجرمانه به‌عنوان حد نیازمند تعیین و تقدیر شارع مقدس هستیم. با این وجود قانون‌گذار در مواردی از این اعتقاد خود عدول کرده و دامنه حدود را

۱- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، ۱۴۱۳، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۱۴، ص ۳۲۵.

۲- عباس زراعت، ۱۳۹۰، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش حدود)، ص ۷۶.

۳- نجم‌الدین محقق حلی، ۱۴۰۸، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، ص ۱۳۶.

۴- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، ۱۴۱۳، پیشین، ج ۱۴، ص ۳۲۵.

۵- مهدی احمدی اصفهانی، ۱۳۸۷، جزوه درسی حدود (۱)، مقطع کارشناسی ارشد، ص ۲.

۶- محمدفاضل لنگرانی، ۱۳۹۰، آئین کیفری اسلام (درس‌های خارج فقه حدود)، ج ۱، ص ۹۲.

بلاجهت افزایش داده است. از آن جمله می‌توان به مادتين ۲۸۱ و ۲۸۶ همین قانون اشاره نمود. شرح و بررسی بیشتر از این مواد را به فصل آتی موكول می‌نماییم. در هر صورت جرائم امنیتی که مستوجب حد هستند باید میزان کیفر آنان در شرع مقدس احصاء و مقدر شده باشد.

۱-۲- مبانی جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت مستوجب حد

با توجه به تعریف و تبیین مفهوم امنیت و جرائم علیه آن، و همچنین تأثیرپذیری و تأثیرگذاری امنیت در ابعاد مختلف جامعه و به ویژه تأثیر و جایگاهی که امنیت در نظام عدالت کیفری دارد. قانون‌گذار هر کشوری می‌تواند سیاست‌های جنایی خود را با اعمال حمایت کیفری از طریق جرم‌انگاری به منظور حفظ و ارتقاء امنیت به مقصود برساند. این امر مستلزم رعایت اصول و مبانی جرم‌انگاری است. قانون‌گذار ایران نیز مستثنی از این قضیه نبوده و در طول دوران قانون‌گذاری نگاه ویژه‌ای به امنیت داشته است. با عنایت به تصویب قانون مجازات اسلامی و تغییرات و تحولات به وجود آمده در حوزه جرائم علیه امنیت مستوجب حد، سؤالی مطرح می‌شود که مهم‌ترین علت تحولات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در حوزه جرائم علیه امنیت مستوجب حد چیست؟ در راستای ارائه پاسخ به این سؤال، می‌بایست به مبانی جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت مستوجب حد از حیث مستندات شرعی و اصول حاکم بر حقوق کیفری موضوعه و همچنین در کنار این موضوع باید به علل و چرایی جرم‌انگاری در حوزه امنیت نیز پرداخته شود. باید توجه داشت هدف هر نظام کیفری تحقق عدالت و کارآمدی آن است. هر چه نظام کیفری عادل و کارآمدتر باشد، به‌طور طبیعی امنیت بیشتر برقرار و هر چقدر سطح امنیت بیشتر شد، کارآمدی نظام عدالت کیفری، در نگاه مردم، فرشته‌ای بی‌نظیر رخ می‌نماید. از این رابطه مستقیم بین امنیت و کارآمدی نظام عدالت کیفری مردم و حاکمیت و بی‌شک مردم جهان همگی سود و منفعت خواهند برد. بدین قرار است که قانون‌گذار اسلامی با توجه به این تأثیر و رابطه مستقیم بین امنیت و کارآمدی نظام عدالت کیفری و با توجه به پدیده‌ها و وقایعی که طی سال‌های گذشته در داخل و خارج از کشور به وقوع پیوسته، می‌بایست در رویکردی جدید حمایت کیفری از حوزه امنیت را مشخص نماید. البته توجه به این نکته هم ضروری به نظر می‌رسد که بررسی و تحلیل مبانی و علل جرم‌انگاری در قانون مجازات اسلامی در رابطه با جرائم علیه امنیت مستوجب حد، هدف اصلی پژوهش نبوده و صرفاً مطالب مختصر آن در جهت تکمیل هدف اصلی و تحلیل تحولات موضوع بحث، مورد مطالعه و مذاقه قرار گرفته است.

۱-۲-۱- مبانی جرم‌انگاری فقهی

در بحث از مبانی جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت مستوجب حد از حیث موازین شرعی و فقه

اسلامی، بعد از ارائه مختصری از اهداف و مبانی وضع قوانین جزایی در اسلام، بایستی مبانی جرم‌انگاری جرائم امنیتی مستوجب حد در منابع اصلی فقهی مورد بحث قرار گیرد. در مباحث آتی مستندات حکم این دست از جرائم مورد تدقیق قرار خواهد گرفت.

۱-۱-۲-۱- مبانی و اهداف وضع قوانین کیفری در اسلام

تحقیق درباره این موضوع به‌طور قطع از ضروریات جامعه امروزی بوده و خود می‌تواند موضوعی مجزا از موضوع اصلی پژوهش حاضر باشد. از باب اهمیت طرح موضوع مختصراً مطالبی راجع به مبانی و اهداف جرم‌انگاری در اسلام و به‌طور مشخص جرائم علیه امنیت ارائه خواهد شد. می‌توان ادعا نمود مهم‌ترین هدف از وضع قوانین کیفری در اسلام حفظ مصالح عامه به‌خصوص مصلحت‌های پنج‌گانه برای فرد و جامعه اسلامی است. حفظ دین، نفس، مال، نسب و عقل از جمله ضروریاتی است که از طرق گوناگون همچون جرم‌انگاری مورد حمایت شارع مقدس قرار گرفته‌اند. بدون تردید هر مکتب حقوقی بدون توجه به مبانی و اصول جرم‌انگاری چندان از پویایی لازم برخوردار نیست و در نتیجه نمی‌تواند پاسخ‌گوی مسائل مختلف جامعه‌ای باشد، که بر آن حاکم است. بی‌مربوط نیست اگر گفته شود هر نظام حقوقی در جهان مبتنی بر ایدئولوژی خاصی که دارد مبانی، اصول و اهداف وضع قوانین خود را ترسیم می‌کند. شاید زمانی برسد که مرزها در علم حقوق برداشته و قانون کیفری واحدی برای کل جهان حاکم گردد؛ ولیکن در حال حاضر قانون کیفری هر کشوری انعکاس‌دهنده وضعیت فکری و ایدئولوژی آن جامعه محسوب می‌گردد. برای مطالعه و پژوهش و آگاهی در مورد مفاهیمی چون فرهنگ، اقتصاد، سیاست، علم و فناوری، رویه و سبک زندگی جوامع مختلف، مطالعه حقوق کیفری جامعه هدف بی‌مربوط نبوده و مسیر مناسبی برای درک آن مفاهیم است؛ چراکه جامعه و قوای حاکم در مقام تضمین و تثبیت اعتقادات خود خوبی‌ها را جذب و بدی‌ها را دفع می‌کنند، که این امر در بسیاری از مواقع به مدد قوانین کیفری رخ می‌دهد. در این بین دین مبین اسلام بدون شک در تمامی زمینه‌ها صاحب‌نظر بوده که البته انتظار از خالق هستی نیز همین است که مجموعه برنامه‌ها و رهنمودهایی که بشر تا انتهای این دنیا بدان نیازمند است، در آخرین دین خود نازل فرماید. در نتیجه در طول تاریخ اگر مکاتب مختلفی در موضوعاتی چون اقتصاد، جامعه‌شناسی، سیاست و یا حتی حقوق ظهور کرده‌اند؛ اسلام به‌طور کامل در همه ابعاد مکتب جدیدی را ارائه نموده است. بنابراین اقتصاد، فرهنگ، سیاست، حقوق و به‌طور کلی مفاهیم و رشته‌های تخصصی علوم انسانی، هریک جزئی از اسلام محسوب می‌گردند. در نتیجه برابری اجزاء با عین یا کل اسلام کار درستی نیست. پس خلاصه کردن تمام اسلام در یک جزء کوچک آن، اجحاف در حق دین است. مکتب

حقوقی اسلام نیز امروزه با وجود حجم عظیم تبلیغات منفی علیه آن و کم کاری‌های علماء و حقوق‌دانان اسلامی در این زمینه، توانسته است با این وجود در کل جهان و بین مکاتب مختلف حقوقی خود را به عنوان یک مکتب نوین و راهگشا معرفی نماید. سایر مکاتب به خاطر برخورداری از قدرت سیاسی، در پی دشمنی و نابودی این مکتب هستند، در نتیجه وظیفه هر حقوق‌دان و یا حتی حقوق‌خوان مسلمان به جای مرغوب شدن در برابر استعاله‌سازی مکاتب حقوقی غرب، دفاع همه‌جانبه و تبلیغ و ترویج مکتب حقوقی اسلام است. با این فرض این مکتب و به ویژه فقه جزایی امامیه، براساس مبانی و اصول پذیرفته شده بر مبنای ایدئولوژی خاص خود و همگام با نیاز بشر، اقدام به جرم‌انگاری نموده است. به‌طور طبیعی تا زمانی که نسبت به ایدئولوژی اسلامی علم کافی وجود نداشته باشد، بدون تردید نمی‌توان از قوانین اسلامی (متدئولوژی اسلامی) صحبت علمی و قضاوت صحیحی ارائه نمود. قانون‌گذاری در تمامی کشورها بی‌تأثیر از فلسفه سیاسی مکتب حاکم بر آن کشور نیست. از آنجایی که نظام سیاسی اسلام متأثر از آموزه‌های دینی و وحی الهی می‌باشد، جرم‌انگاری بر مبنای ارزش‌های دین و پاسداری از مکتب و اعضاء مکتب، صورت می‌گیرد. با این وجود مکتب حقوقی اسلام با قراردادن قواعد کلی خود را یک مکتب پویا در جهان نمایان کرده است. با اینکه برخی از جرائم در اسلام ثابت هستند اما با پیش‌بینی قواعد و اصولی جامع و علمی، جامعه را در هنگام پیشرفت‌ها و پدید آمدن وقایع جدید عقب نگذاشته و با دادن اختیار اجتهاد توسط مجتهد جامع شرایط و مجلس قانون‌گذاری، در وضع احکام قانونی، به‌عنوان یک مکتب حقوقی نوین در همه اعصار صاحب نظر بوده است. تأسیس «تعزیرات» و قواعد حاکم بر آن در همین راستا در قوانین کیفری اسلام تفسیر می‌شود. دین مبین اسلام نیز با در نظر گرفتن محورهای جرم‌انگاری و اصول و قواعد آن همچون اصل پدرسالاری (حتی در بسیاری از موارد منع پدر سالاری در اسلام مورد توجه بوده است)، رعایت اصل ضرر و مصلحت، اقدام به مقابله کیفری با ناهنجاری‌های اجتماعی نموده است. جالب اینکه در اسلام اصل حرکت روی پوسته نازک یخی از هر مکتب دیگری بیشتر مورد اهمیت قرار گرفته و به خوبی اجراء شده است.^۱ بعد از ظهور اسلام تا ده سال که تبلیغ عقاید بود، احکام دین به خصوص احکام جزایی خاصی صادر نشده است. این بدان معنی است که شارع مقدس ابتدائاً زمینه را برای پذیرش جامعه از منع رفتاری به وسیله کیفر، آماده و سپس اقدام به جرم‌انگاری نموده است. به‌طور مثال حکم تحریم شرب الکل یا حفظ حجاب و احکامی از این دست بعد از گذشت سالیانی از ظهور اسلام صادر شده است. نکته دیگر رعایت قاعده محدود کردن جرم‌انگاری به موارد ضروری، در اسلام است. از این‌رو

۱- درباره اصول جرم‌انگاری در مبحث آتی توضیح بیشتری خواهد آمد.

مکتب حقوق اسلام بدون دلیل و ضرورت پای حقوق کیفری را به میان نکشیده و با نگاهی گذرا در می‌یابیم احکام جزایی اسلام محدود و در واقع این مکتب با تورم قوانین کیفری کاملاً مخالف است. اسلام سعی در پیشگیری و اصلاح جامعه دارد. در مقام تمثیل و بیان نمونه می‌توان به شدت قبح اعمالی چون غیبت و دروغ‌گویی اشاره نمود. بنابر نص روایات غیبت از زنا بدتر است و یا دروغ‌گویی دشمنی با خداست. اما با این وجود چنین اعمالی را اسلام جرم‌انگاری نکرده و در صدد پیشگیری و مقابله از طریق راهکارهای غیر کیفری بوده است. (هرچند نگارنده معتقد است با توجه به رواج بی‌اندازه غیبت، تهمت، ریا و دروغ‌گویی در جامعه فعلی بهتر است حمایت کیفری متناسب، بنابر احکام ثانویه به جهت حفظ مصالح عامه مردم صورت گیرد). به هر تقدیر در بین مؤلفه‌هایی که اسلام موکداً حمایت کیفری خود را اعلام کرده، حوزه امنیت می‌باشد. برای اسلام امنیت فرد، جامعه و حاکمیت مهم و هر اقدامی علیه آن در صورت ایجاد اختلال مذموم، قبیح و غیرقابل توجیه است. بنابراین مبنای جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت مستوجب حد در اسلام به دلیل اهمیت رشد و کمال معنوی و مادی مسلمانان و لزوم برقراری حکومت دین در جامعه است. از این حیث به‌منظور حفظ آرامش و نظم در جامعه و نفوذ و قدرت حاکمیت دین و همچنین جلوگیری از فساد در زمین، اسلام با رعایت اصولی که گفته شد، اقدام به جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت در قالب جرائمی چون محاربه و بغی نموده است. نکته قابل توجه این است که شارع مقدس و به تبع آن علمای دین اعم از عامه و خاصه، هدف صحیح و اصول جرم‌انگاری این دو جرم را به خوبی و به‌طور کامل شرح داده‌اند. علت این امر آن است که بیم آن می‌رفت که این جرائم و آیات و روایات مربوط به آن، مستمسک قتل عام بدون دلیل و برخورد خارج از منظور دین، با هر مخالف یا مخالفان حکومت قرار گیرد.

با وجود تلاش‌های فراوان اما تاریخ شاهد سوءاستفاده از وجود این جرائم بوده است. به‌طور مثال حجاج بن یوسف که در مقطعی به ناحق حاکم قسمتی از بلاد اسلام بود در مقام حاکم دین و به استناد به آیه محاربه دست به قتل عام فجیع شیعیان به اسم باغی و محارب زد. در هر صورت علماء و فقهای اسلام به خوبی از این مسئله آگاه و در هر زمانی در تبیین مبانی، اهداف و اصول جرم‌انگاری احکام جزایی دین به خصوص جرائم علیه امنیت کوشا بوده‌اند.

۱-۲-۲- مستندات حکم جرائم علیه امنیت مستوجب حد

چنانچه بیان شد برای هر حکمی از احکام جزایی اسلام نیاز به پرداختن به منبع و مستند آن حکم امری ضروریست، از این رو با عنایت به این مطلب که قوانین جزایی ایران خاصه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برگرفته یا در پاره‌ای از مواقع ترجمان فقه امامیه بوده است؛ لذا بایستی

مستندات این احکام را از منابع فقهی به دست آورد. استنادات و ادله هر حکمی از احکام در فقه امامیه به دو قسمت کلی ادله اجتهادی و ادله فقهاتی تقسیم می‌گردد. رجوع به ادله فقهاتی زمانی است که با فقد ادله اجتهادی روبه‌رو باشیم. در موضوع ما نحن فیه با توجه به وجود مستندات آن در ادله اجتهادی دیگر مجالی به پرداختن به ادله فقهاتی نیست. ادله اجتهادی که در علم اصول فقه به صورت تفصیلی مورد بحث و فحص قرار گرفته‌اند عبارت است از: کتاب، سنت، عقل و اجماع.

در این مجال مستندات حکم جرائم علیه امنیت مستوجب حد از منابع غنی حقوق اسلام بیان خواهد شد؛ لذا در ذیل به بررسی حکم محاربه، افساد فی الارض و بغی و دلایلی را که دلالت بر جرم بودن آنها دارد می‌پردازیم.

۱-۲-۱-۱- کتاب

مقصود از کتاب همان قرآن کریم است که آیات آن ما بین الدفتین جای گرفته و مورد قبول عامه و خاصه است. قرآن کریم به دو صورت دفعی و تدریجی بر وجود مبارک رسول مکرّم اسلام ﷺ نازل شده و دین و مجموعه برنامه استراتژیک الهی را در مورد بندگان و مخلوقات خداوند قدم به قدم از آدم تا خاتم ﷺ به اتمام رسانیده و در یوم الغدیر با نصب مقام ولایت و معرفی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) به عنوان امام بر حق، آن دین را به کمال رسانیده و بیان می‌دارد: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مائده، ۳) قرآن شامل دستورات، اوامر و نواهی ذات اقدس حق جهت سعادت و زندگی بهتر بشر و نیل به کمال وی، در ابعاد مختلف چون اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی و اخلاقی و... است. از نقطه نظر فقها و اصولیان قرآن به عنوان یکی از منابع حکم شرعی و بلکه اولین مأخذ مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.^۱

اگر حکم موضوعی در قرآن که عمده‌ترین و بزرگترین منبع و مأخذ احکام اسلام است؛ بیان گردد، برای اثبات حکم آن موضوع، توسل به منابع دیگر علم اصول ضرورت ندارد، زیرا وجود نص صریح کفایت می‌کند،^۲ پس سایر ادله و منابع دیگر با این توضیح موکد حکم قرار خواهند گرفت یا اینکه مخصوصاً در عقل و اجماع کاشف از حقیقت و حکم خواهند بود. بی‌شک قرآن کریم بیان‌کننده و روشن‌گر هر چیزی است و به عنوان اصلی‌ترین منبع حقوق اسلام، هیچ عالم، مجتهد و حقوق‌دانی بی‌نیاز از مراجعه به آن و استنباط از قرآن نیست. به طوری که مشخصاً در کلام

۱- محمد صدیقی، ۱۳۸۶، مبادی اصول، ص ۱۲۷.

۲- رجبعلی گلدوست جویباری، ۱۳۸۸، جرائم علیه امنیت کشور، ص ۶.